

بررسی سیره متشرعه از منظر شهید صدر رحمۃ اللہ علیہ و مرحوم حکیم رحمۃ اللہ علیہ

فاطمه عظیمی^۱

چکیده

یکی از مسائل بسیار مهم و پرکاربرد در علم اصول که برای استنباط حکم شرعی از آن بسیار استفاده می شود، بحث سیره است که خود دارای اقسام است و یکی از این اقسام سیره متشرعه است که در کتب اصولی به صورت پراکنده مورد بحث قرار گرفته است. شهید صدر یکی از فقهایی است که سیره متشرعه را به صورت مستقل مطرح کرده اند. در برخی موارد می توان نظرات فقها در این مسئله را به صورت تطبیقی مورد کنکاش قرار داد. مانند نظر شهید صدر با نظر مرحوم حکیم. مرحوم حکیم یکی از راه های اثبات سنت را سیره متشرعه می داند. هدف از پژوهش حاضر بررسی سیره متشرعه از منظر شهید صدر و مرحوم حکیم است که به روش توصیفی-تحلیلی، در محدوده فقه و با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام شده است. نتایج نوشتار حاضر نشان می دهد که شهید صدر تقسیم بندی جدیدی برای سیره مطرح کرده و بین سیره متشرعه و سیره عقلا تفاوت قائل شده است. مرحوم حکیم بین سیره متشرعه و عقلا فرق چندانی قائل نیست و فقط دایره سیره متشرعه را ضیق تر از سیره عقلا می داند. آنچه بین صدر و حکیم در اثبات حجیت سیره متشرعه توافق دارد دو رکن است: رکن اول، هم عصری با معصوم علیه السلام و رکن دوم، موقف متناسب با اثبات امضای شارع است. با شناخت ملاک حجیت سیره می توان سیره های مستحدثه را بررسی کرده و حکم قطعی درباره آن صادر کرد.

واژگان کلیدی: سیره متشرعه، شهید صدر، مرحوم حکیم.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهم در علم اصول فقه مطرح شده است و کاربرد فراوانی در استنباط احکام دارد و مورد استناد فقها در علم فقه قرار گرفته است بحث سیره است که البته سیره دارای اقسامی است که یک قسم آن سیره متشرعه است. هدف از تحقیق حاضر آگاه‌سازی جامعه نخبگانی نسبت به نظرات شهید صدر و مرحوم حکیم درباره سیره متشرعه است تا مسائل اختلافی و مورد اتفاق این دو فقیه برای پژوهشگران روشن شود. سیره متشرعه در بیشتر کتاب‌های اصولی بحث شده است مانند کتاب الفائق، کفایه، رسائل، حلقات شهید صدر و... مقاله‌هایی نیز در این زمینه نگارش شده است که عبارتند از:

- پژوهشی در سیره متشرعه، شرایط حجیت و شبکه روابط مفهومی از زهرا سادات احمدی سلیمانی؛

- نقد و تحلیل ادله حجیت سیره متشرعه از محمدتقی فخلعی.

پایان‌نامه: سیره متشرعه و کاربرد آن در استنباط از زهرا سادات احمدی سلیمانی نیز در این مورد است، اما در هیچ‌یک از آثار ذکر شده، تطبیق نظر شهید صدر و مرحوم حکیم اشاره نشده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، در محدوده اصول فقه و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش شده است و درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که سیره متشرعه از منظر شهید صدر و مرحوم حکیم چگونه است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. سیره

در کتاب المحیط (ابوالمعالی، ۱۴۲۴، ۲۳۳/۸)، الصحاح (الجوهری، ۱۴۰۷، ۲/۱۹۶)، معجم مقاییس اللغة (ابوالحسین، ۱۳۹۹، ۱۲۰/۳)، لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۸۹/۴) و مصباح المنیر (فیومی، ۱۴۱۴، ص ۲۹۹) سیره به معنای طریقه و سنت است. در مورد دلیل نام‌گذاری به سیره آمده است: «چون در چیزی جریان می‌یابد به آن اطلاق سیره می‌شود». بنابراین، باتوجه

به کتب لغوی می‌توان گفت که سیره، مصدر میمی از ماده «س ی ر» است که به یک روش و جریان اطلاق می‌شود. سیره در اصطلاح عبارت است از استمرار روش و بنای عملی مردم بر انجام کاری یا ترک کاری (هلال، ۱۴۲۴، ۱/۱۶۹) که به سیره عقلا و سیره متشرعه تقسیم می‌شود.

۲-۲. سیره متشرعه

سیره متشرعه یعنی، رفتار خاصی که برای همه متدینین در عصر معصومین وجود داشته است. اجماع، اتفاق قولی است آن هم از طایفه‌ای خاص، ولی سیره متشرعه، اتفاق عملی و مربوط به همه متدینین است. (اسلامی، ۱۳۸۷، ۱/۲۷۲) شهید صدر در توضیح سیره متشرعه می‌فرماید: «فرض کنید سیره عملی مردم مسلمان در زمان معصومین چنین بوده است که نماز ظهر را اقامه می‌کردند و آن را بدل از نماز جمعه می‌دانستند یا نسبت به مالی که به مسلمانی ارث می‌رسید خمس نمی‌دادند. اگر از طریق منطق حساب احتمالات وارد شویم، می‌توان سیره را چنین تحلیل کرد که هر عملی و رفتاری فی حدنفسه یا مطابق نظر شارع است یا مخالف نظر شارع. وقتی این عمل از یک مسلمان سرمی‌زند مسلمان بودن او یک قرینه است بر اینکه رفتارش مستند به شرع و با رعایت نظر شارع است؛ زیرا شخص متدین و مسلمان بما هو مسلمان رفتارش براساس دستور شرع است. وقتی شخص دوم، سوم و چهارم اضافه می‌شوند احتمال اینکه دلیل شرعی (اعم از لفظی و غیرلفظی) در کار بوده است بیشتر و بیشتر می‌شود و احتمال اینکه دلیل در کار نبوده است و عمل آنها بدون مستند شرعی و ناشی از بی‌توجهی، سهل‌انگاری و مسامحه بوده است کمتر و کمتر می‌شود تا جایی که وقتی می‌بینیم اصلاً همه مسلمانان و متدینین چنین می‌کرده‌اند دیگر تردیدی در وجود دلیل شرعی که مستند عمل آنها باشد پیدا نمی‌کنیم و احتمال خلاف به نهایت ضعف می‌رسد؛ یعنی می‌گوییم امکان ندارد همه مسلمانان آن هم در زمان حضور معصومین آن قدر از اسلام فاصله گرفته باشند که جملگی بر غیر طریق اسلامی باشند و حتی بعضی درمیان آنها پیدا نشود که بر طریق اسلامی عمل کند» (اسلامی، ۱۳۸۷، ۱/۲۷۲).

۲-۲-۱. حجیت سیره متشرعه

حجیت سیره متشرعه به معنای صحت استناد و احتجاج به سیره متشرعه در میان اهل شرع است. (صدر، ۱۴۰۵، ۲/۲۴۷) اگر چنین سیره‌ای از متدینین در عصر تشریح ثابت شد به طور غالب این علم حاصل می‌شود که ناچار بیان شرعی در اختیار آنها بوده و براساس آن دلیل شرعی بوده است که نماز ظهر را بدل از نماز جمعه می‌دانستند و یا در میراث، خمس نمی‌دادند. اگر تجمع قرائن در سیره به حدی نبوده که علم‌آور باشد، بلکه سیره متشرعه نوعی ظن به وجود دلیل شرعی تولید کرد دیگر حجت نیست؛ زیرا حجیت سیره متشرعه به حجیت علم رجوع می‌کند و خود به طور مستقل، چیزی به شمار نمی‌آید و تا زمانی که مفید ظن است اصل در باب ظنون عدم حجیت است (اسلامی، ۱۳۸۷، ۱/۲۷۲)، البته برای حجیت سیره متشرعه و استدلال بر آن، دو امر فراهم آید تا بتوان به آن استدلال کرد: الف) اثبات هم‌زمانی سیره با زمان حضور معصوم علیه السلام؛

ب) اثبات موافقت معصوم علیه السلام با مضمون این سیره.

راه‌های اثبات هم‌زمانی سیره با زمان معصوم فقیه هنگام رویارویی با سیره عقلایی متشرعه آن است که خود را با آن معاصر می‌یابد. بنابراین، باید وجود این سیره در زمان معصومین علیهم السلام نیز ثابت شود. برای اثبات این هم‌زمانی راه‌های زیر ارائه شده است: راه اول: وجود سیره‌ای خاص گویای آن است که این سیره ریشه‌های کهن دارد و به زمان امامان معصوم علیهم السلام می‌رسد. (صدر، ۱۴۳۵، ۲/۲۴۵) این راه در بسیاری موارد قابل دفاع نیست چون مبتنی بر دو نکته است که هر دوی آنها باطل است: اول، ممکن است به تدریج سیره دچار تغییر شود؛ دوم، سیره عقلایی برگرفته از شرایط زمان، مکان و محیط است. راه دوم: اثبات هم‌زمانی سیره و وجود آن در زمان معصوم علیه السلام با نقل تاریخی و شهادت و یا در محدوده روایات و احادیث فقهی است (صدر، ۱۴۳۵، ۲/۲۴۵) مانند آنچه شیخ طوسی در مورد استقرار بنای اصحاب ائمه و متشرعه در زندگی نقل می‌کند که آنها نسلی پس از نسلی احکام و دستورات دینی خود را از اخبار ثقات گرفته و بر آنها اعتماد کرده‌اند. اگر تظافر و استفاضه نقل و قرائن متعدد، چنین مطلبی را تأیید

کند در قطعیت آن شکی نخواهد ماند. راه سوم: وجود سیره یکسان در جوامع مختلف، شرایط متفاوت و کشف آن از راه استقرا، مایه تصمیم وجود چنین سیره‌ای در تمام جوامع عقلایی از جمله جوامع معاصر با دوران معصومین علیهم‌السلام می‌شود. این راه نیز در مواردی ناتمام است. با این استقرا تنها جوامع معاصر بررسی می‌شود در صورتی که قصد تعمیم این سیره به جامعه‌ای است که از نظر زمانی بسیار از حال حاضر دور است و شرایط خاص خود را دارد. چنین تعمیمی براساس احتمالات، نادرست است؛ زیرا تعمیم در جایی رواست که احتمال وجود تکیه خاصی و تفاوتی در میان برخی از موارد نباشد (صدر، ۱۴۳۵، ۲/۲۴۵).

راه چهارم: مسئله‌ای که خواهان اثبات وجود سیره در آن است اگر بسیار مورد ابتلای مردم باشد و خلاف رفتاری که سیره بر آن منعقد شده باشد و نزد مردم و متشرعه از واضحات نباشد و در لسان روایات و ادله هم در این باب پرسش و پاسخی دیده نشود در چنین حالتی کشف می‌شود که این رفتار خاص در زمان معصوم علیهم‌السلام نیز وجود داشته است و گرنه یا خلاف آن از واضحات نزد مردم بود و یا آنکه در این مورد پرسش‌های زیادی مطرح می‌شد که هردو خلاف فرض است. (صدر، ۱۴۳۵، ۲/۲۴۵) راه پنجم: در موردی که قصد اثبات انعقاد سیره باشد اگر فرض شود چنین سیره‌ای نبوده است باید جانشین و بدیلی داشته باشد که چنین جانشینی به فراموشی سپرده نمی‌شود و به سبب اهمیت موضوع ثبت شده و منتقل می‌شود (صدر، ۱۴۳۵، ۲/۲۴۵). به این پنج راه یا برخی از آنها برای اثبات هم‌زمانی سیره با عصر معصومین علیهم‌السلام استناد می‌شود. راه‌های جزئی دیگری براساس نکات و خصوصیات غیرمضبوط وجود دارد که فقیه در فقه با آنها مواجه می‌شود و می‌توانند برای اثبات سیره مورد استدلال قرار گیرد (اسلامی، ۱۳۸۷، ۱/۲۷۲).

۳. چگونگی به‌دست آوردن موافقت کاشف از امضای شارع

دومین رکن برای تمامیت استدلال به سیره، چگونگی به‌دست آوردن موافقت کاشف از امضای شارع است و شکل آن در سیره عقلایی با سیره متشرعه متفاوت است؛ زیرا اصحاب معاصر

ائمہ ؓ دو حیثیت دارند: از طرفی مانند دیگر عاقلان هستند و احکام عقلایی درباره آنها صادق است و از طرفی از متشرعین هستند و احکام شریعت مقدس را درجایی که ربطی به عقلا و جایگاه عقلایی ندارد، اعمال می‌کنند. بنابراین، آنها دو سیره دارند: سیره شرعی و سیره عقلایی در مواردی که عقلا در آنها موضع خاصی دارند. ملاک کشف موافقت شارع با مضمون هریک از این دو نوع سیره با دیگری متفاوت است. متشرعین معاصر ائمہ ؓ که امکان دستیابی به احکام و معارف شرعی را از راه حسی یا نزدیک به حسی را از راه پرسش دارند مهمترین اصحاب معاصر آن حضرات و راویان و ناقلان آثار هستند. در عصر غیبت فقها اگر فقها بر مطلبی نظرشان اجماع باشد، این اجماع در چنین زمانی ناگزیر کاشف از آن است که مستند آن شریعت مقدس یعنی قول، فعل و تقریر معصوم ؑ و مورد رضای شارع مقدس است. بنابراین، فرض اینکه چنین سلوک و رفتاری مورد قبول و رضای شارع نبوده باشد و حتی به او مستند نباشد لازمه اش پذیرش غفلت و بی‌توجهی محسوسی از سوی بخش بزرگی از مردم است. (اسلامی، ۱۳۸۷، ۲۷۸/۱)

۴. حدود اثبات احکام با سیره متشرعه

گاه سیره متشرعه بر عدم تقید به فعلی منعقد می‌شود مانند عدم مسح پا با تمام کف دست در وضو که بر اساس حساب احتمالات دلالت بر عدم وجوب این کار می‌کند. گاه نیز سیره بر انجام یا ترک فعلی منعقد می‌شود. در این صورت بر اساس همان حساب احتمالات، شکی در ثبوت جواز به معنای اعم، مقابل حرمت و حتی کراهت نیست، ولی اثبات وجوب یا استحباب یا جامع مطلوبیت با این سیره نیاز به بحث و تفصیل دارد. (اسلامی، ۱۳۸۷، ۲۸۰/۱)

۵. تفاوت میان سیره متشرعه و سیره عقلا

از بررسی عمل اصحاب ائمہ و عقلای معاصر آنها برخی تفاوت‌ها میان سیره متشرعه و عقلا آشکار می‌شود از جمله آنکه به هنگام استدلال به سیره متشرعه باید ثابت شود که بنای متشرعه، اصحاب ائمہ ؓ و نسل‌های معاصر آنها بر چنین عملی بوده است، ولی در مورد سیره عقلا کافی است ثابت شود که عقلا در صورت عدم ردع و رهایی از قیود به مقتضای این طبیعت عمل

نکرده باشند. طبیعت عقلایی در صورت نبود نهی و مانع، اقتضای چنین عملی را دارد و نیازی به اثبات این مطلب که عقلا در زمان معصومین علیهم السلام برخلاف سیره متشرعه بالفعل هم براساس این اقتضای عقلایی عمل می‌کرده‌اند، نیست؛ زیرا نفس ثبوت اقتضای طبیعت عقلایی و نرسیدن ردعی از شارع، کاشف از موافقت شارع با مضمون آن است و همین کافی است. (صدر، ۱۴۰۵، ص ۴) در صورت فراهم شدن شرایط سیره متشرعه و تحقق آن، دیگر احتمال ردع از آن معنا ندارد؛ زیرا به طریق برهان «انی» کاشف از بیان شارع است. برخلاف سیره عقلا که انعقاد آن محصول بیان شارع نیست و زاده اقتضای طبیعت عقلایی است و می‌توان درباره آن احتمال ردع شرعی را داد (صدر، ۱۴۰۵، ص ۴). سیره متشرعه دو معنا دارد: الف) سیره متشرعه به معنای اخص؛ یعنی نفس متشرع بودن، علت پیدایش آن شده است مانند جهر در نماز ظهر روز جمعه؛ ب) سیره متشرعه به معنای اعم؛ یعنی متشرعه عملاً پیرو چنین سیره‌ای هستند، خواه عمل آنها به مقتضای متشرع بودنشان باشد و خواه به مقتضای طبیعت عقلایی آنها. سیره عقلایی به معنای اینکه در صورت عدم ردع و مانع و با عطف نظر از برهان عدم ردع، عمل متشرعه مانند آن دانسته نمی‌شود. سیره متشرعه به هردو معنای خود حجت است، ولی سیره به معنای اول، دلالت قوی‌تری از معنای دوم دارد؛ زیرا احتمال نمی‌رود که ناشی از طبیعت عقلایی باشد و فقط احتمال تلقی نادرست از بیان شارع وجود دارد که آن هم با حساب احتمالات منتفی است، ولی سیره متشرعه به معنای دوم شاید ناشی از طبیعت عقلایی باشد (صدر، ۱۴۰۵، ص ۴). با این حال، سیره متشرعه به هردو معنای خود با یک ملاک حجت است؛ زیرا هرچند مقتضای طبیعت عقلایی نیز عمل به خبر ثقه است، اما احتمال اینکه متشرعه در قالب متشرعه همگی از حکم شارع در باب مسئله‌ای که بسیار مورد ابتلای آنهاست غفلت کرده باشند و بدون کمترین پرسشی یا کاوش یا کوششی برای فهم نظر شارع از آن گذشته باشند باز براساس احتمالات منتفی است (صدر، ۱۴۰۵، ص ۴).

۶. نظر حکیم در مورد سیره متشرعه

مرحوم حکیم بحث سیره را بانام یکی از راه‌های اثبات سنت بررسی کرده است. سنت از آن نظر که سنت است و حجیت آن از ضروریات است زمینه‌های بهره‌مندی از آن برای مباحث فقهی به شرایط دیگری نیازمند است. اگر در عصر معصومین علیهم‌السلام بود شاید به این شرایط نیازی نبود و در درک سخنان و بهره‌مندی از آن قراین لفظی وجود داشت، اما دور بودن از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام مباحثی را به وجود آورده است که برای اعتماد و بهره‌گیری از آنها باید ارزیابی، بحث و بررسی شوند. (حکیم، ۱۴۱۸، ۱/۱۸۴) این مباحث به چند دسته تقسیم می‌شوند:

- برخی از آنها برای اثبات سنت و رسیدن به آن واقع شده‌اند؛
 - برخی دیگر در مورد چگونگی بهره‌مندی از سنت به کار گرفته شده است؛
 - برخی دیگر براساس میزان ارتباط سنت با قرآن مورد استفاده قرار گرفته است.
 راه‌هایی که توانایی رسیدن به سنت را دارند دو نوع هستند: قطعی؛ غیرقطعی. روش‌های قطعی، شش بحث مهم را ذکر کردند:
 - اخبار متواتر: خبری که گروهی آن را روایت کرده‌اند و تعداد راویان به اندازه‌ای است که احتمال کذب همه آنها منتفی است، سلسله راویان به معصوم علیه‌السلام منتهی شود و از او نقل کرده باشند؛

- خبری که قرآینی دارد که موجب قطع به صدور آن خبر می‌شود؛

- اجماع، البته اجماعی که کاشف از رأی معصوم علیه‌السلام باشد؛

- سیره عقلا، البته سیره عقلایی که کاشف از رأی معصوم علیه‌السلام باشد؛

- سیره متشرعه که کاشف از رأی معصوم علیه‌السلام باشد؛

- ارتکاز متشرعه. (حکیم، ۱۴۱۸، ۱/۱۸۵)

سیره متشرعه از منظر مرحوم حکیم، عملی است صادر شده از گروهی از مردم وابسته به یک دین خاص یا یک فرقه خاص و به نوعی همان سیره عقلاست با دایره ضیق‌تر که در محدوده دین و مذهب خاص محدود شده است. معتبر بودن چنین سیره‌ای تنها پس از اثبات گسترش

تاریخی آن تا زمان معصوم علیه السلام و اثبات مشارکت در رفتار برای آنها در مواردی است که می تواند از وی صادر شود، توسط وی تأیید شود یا عدم ردع آن سیره در صورت امکان ردع و اطلاع به آن سیره باشد. (حکیم، ۱۴۱۸، ۱۸۶/۱)

بسیاری از آداب و رسوم متداول در یک کشور یا محیط خاص حساب یکسانی دارند، حتی اگر از ویژگی های یک شعار مقدس در قلب مردم عادی برخوردار باشد. (حکیم، ۱۴۱۸، ۱۸۶/۱) هرچه از سنت نازل شده باشد در گفتار، کردار یا تأیید، یک بحث است و در غیر این صورت، هیچ مدرکی برای صحت آن وجود ندارد. اینکه گفته می شود هر استدلالی که به قطعیت ختم نشود، حجت نیست، پس یک استدلال نیست و شک در حجیت چیزی، کافی است بر اینکه عدم قطع در آن ثابت شود (حکیم، ۱۴۱۸، ۱۸۶/۱). استفاده از این اصطلاحات در مورد سنت در میان برخی از اساتید متأخر رایج شده است و به نظر می رسد که آنها علاوه بر در دسترس بودن سیره مربوط به عمل یا ترک عملی در رابطه با چیزی احساس عمیق از آن را می خواهند. نوع قضاوتی که ناشی از اقدام وی یا ترک وی توسط متشرع باشد که منبع آنها برای تحقیق مشخص نیست.

۷. تفاوت سیره عقلا یا سیره متشرعه با ارتکاز متشرعه

سیره عقلا یا سیره متشرعه از آن رو که فعل یا ترک فعل است لفظ و بیان در آن نیست و از نظر نوع حکم مجمل است، ولی جواز بالمعنی العام (وجوب، استحباب، اباحه) در فعل را ثابت می کند یا عدم وجوب فعل در ترک فعل را، اما ارتکاز متشرعه نوع فعل را از وجوب، حرمت و غیر اینها را معین می کند.

۸. حجیت سیره متشرعه

حجیت داشتن چنین ارتکازی ثابت نمی شود مگر اینکه از وجود آن در زمان معصومین و تأیید اصحاب آن، علم حاصل شود و چنین علمی بسیار نادر است. برای اینکه فتوایی در نفس فی نفسه به عنوان ارتکاز متشرعه قرار گیرد نیازی به بیشتر از تصویب فتوا در دو نسل یا سه نسل نیست. (حکیم، ۱۴۱۸، ۱۸۶/۱)

۹. نتیجه‌گیری

شهید صدر سیره متشرعه را در قبال سنت قرار داده و هرکدام از سیره متشرعه و سنت را راهی برای اثبات دلیل شرعی قرار داده است، اما مرحوم حکیم یکی از راه‌های اثبات سنت را سیره متشرعه قرار داده است. در تعریف سیره متشرعه نظر هردو بر این مبنا ثابت است که سیره متشرعه رفتار خاصی است که بین گروهی متدین (شهید صدر) و افراد خاصی با مذهب و دین خاص (مرحوم حکیم) رایج است، البته با این تفاوت که مرحوم حکیم سیره متشرعه را همان سیره عقلا می‌داند با دایره ضیق‌تر که در محدوده دین و مذهب خاص محدود شده است، اما شهید صدر بین این دو سیره فرق قائل است. حجیت سیره متشرعه را هردو وابسته به دو عامل می‌دانند: متصل بودن سیره به زمان معصوم علیه السلام؛ اثبات موافقت و عدم ردع معصوم علیه السلام از سیره متشرعه. شهید صدر برای اثبات این هم‌زمانی به پنج راه اشاره کرده است که به این پنج راه یا برخی از آنها برای اثبات هم‌زمانی سیره با عصر معصومین علیهم السلام استناد می‌کند. در بحث تفاوت بین سیره عقلا و سیره متشرعه، مرحوم حکیم فرقی بین این دو قائل نیست و این دو سیره را با ارتکاز متشرعه مقایسه و تفاوت آن را مطرح کرده است. شهید صدر بین سیره عقلا و سیره متشرعه تفاوت قائل شده است. تفاوت دیگر آنکه در صورت فراهم شدن شرایط سیره متشرعه و تحقق آن، دیگر احتمال ردع از آن معنا ندارد؛ زیرا به طریق برهان «اُتی» کاشف از بیان شارع است. برخلاف سیره عقلا که انعقاد آن محصول بیان شارع نیست و زاده اقتضای طبیعت عقلایی است و می‌توان درباره آن احتمال ردع شرعی را داد.



فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴). لسان العرب. بيروت: الناشر دار صادر.
۲. ابو المعالي، برهان الدين محمود (۱۴۲۴). المحيط في اللغة. بيروت: الناشر دار الكتب العلميه.
۳. ابوالحسين، احمد (۱۳۹۹). معجم مقاييس اللغة. بيروت: الناشر دار الفكر.
۴. اسلامي، رضا (۱۳۸۷). قواعد كلي استنباط. قم: دفتر تبليغات حوزه اسلامي.
۵. الجوهرى، ابونصر (۱۴۰۷). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيه. بيروت: الناشر دار العلم للملايين.
۶. حكيم، محمدتقى بن محمد سعيد (۱۴۱۸). الاصول العامه في الفقه المقارن. قم: انتشارات مجمع جهاني اهل بيت عليه السلام.
۷. صدر، محمدباقر (۱۴۰۵). بحوث في علم الاصول. قم: المجمع العلمى للشهيد الصدر.
۸. صدر، محمدباقر (۱۴۳۵). دروس في علم الاصول. قم: مجتمع ناشران.
۹. فيومى، احمد (۱۴۱۴). مصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعى. قم: الناشر دار الهجره.
۱۰. هيثم، هلال (۱۴۲۴). معجم مصطلح الاصول. بيروت: دار الجليل.

